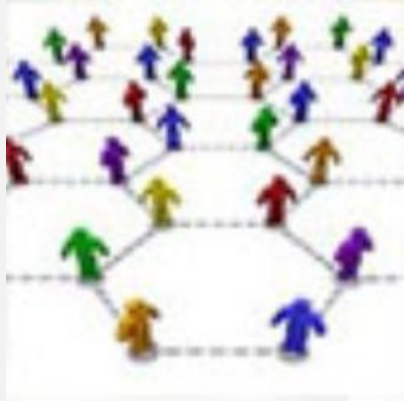


نظم راز پیروزی

انسانهای موفق و پیروز، زندگی رابا برنامه های حساب شده و دقیق تنظیم کرده و با روش صحیح پیش می روند...



انسانهای موفق و پیروز، زندگی رابا برنامه های حساب شده و دقیق تنظیم کرده و با روش صحیح پیش می روند. موفقیت ملتها و مردان بزرگ در گذشته و حال در صحنه ی زعامت، رهبری، سیاست، علم، هنر و... بیشتر مرهون برنامه ی صحیح و کار منظم در زندگی بوده است.

"جهان چون چشم و خد و خال و ابروست *** که هر چیزی به جای خویش نیکوست".

قرآن مجید نیز گویای همین حقیقت است آنجا که می فرماید: "الشمس و القمر بحسبان... خورشید و ماه بر محاسبه یی (دقیق) قرار دارند..."¹

آیا می توان باور کرد که دانشمندانی چون بوعلی، ابوریحان بیرونی، رازی، خواجه نصیرالدین طوسی، فارابی و دیگر بزرگان، بدون برنامه و نظم در مطالعه، تحصیل و تحقیق به چنان پیروزی هایی رسیده باشند؟
آیا آلمانیها و ژاپنیها، پس از شکست در جنگ جهانی دوم که همه چیز را از دست دادند، جز در سایه ی نظم و پشتکار می توانستند خرابیها را ترمیم کنند و همه چیز را از نو بسازند و صنعت و اقتصادشان را احیاء نمایند؟
زیان بی نظمی

راستی، چقدر دور از منطق و عقل است که نظم را نوعی قید و بند بدانیم و بگویم خوشبخت کسی است که در زندگی آزاد است و هیچ گونه قیدی ندارد.

این منطق انسانهای سهل انگار و تنبل است که برای فرار از مسئولیتهای فردی و اجتماعی بدان دست یازیده اند.

هیچ ارتشی با بی نظمی پیروز نشده، بلکه موفقیت و پیشرفت آن در سایه ی نظم و مقررات ویژه بوده است.
هیچ مکتب، مرام، حزب و گروه، نمی تواند بدون نظام و تشکیلات صحیح، پیشرفتی داشته باشد و بی نظمی سند نابودی و اضمحلال آن است.

عوامل تفرقه و نابسامانی که از بی نظمی سرچشمه می گیرد، موجب از هم پاشیدگی است. نگاهی به زندگی مردان خدا و پیشوایان بزرگ دین، ما را در قبول این حقیقت راسختر می سازد.

امیرمؤمنان علی(علیه السلام) که خود بارها نتایج زیانبار تشمت و بی نظمی را در فکر و عمل مسلمانان دیده بود، در واپسین ساعات عمر، در بستر شهادت و در آخرین پیامش، فرزندان و مسلمانان را به نظم در کارها فرا می خواند، آنجا که می فرماید:
" شما را (ای حسن و حسین) وهمه ی فرزندان و بستگان و هر که را که نوشته ی من بدو برسد، به پرهیزگاری و تنظیم امور سفارش می کنم. اَوْصِيكُمْا وَجَمِيعِ وُلْدِي وَاَهْلِي وَمَنْ بَلَّغَهُ كِتَابِي يَتَّقِيَ اللّٰهَ وَيَنْظُمِ اَمْرَكُمْ"²

در جنگهای اسلام به ویژه درجنگ "بدر" و "احد" پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) با تدبیر کامل، سپاه اندک و بی ساز و برگ مسلمانان را به گونه یی آراست که هم در چشم دشمن بزرگ جلوه کند و هم دشمن از هر سو که یورش آورد، با شمشیرهای مسلمانان روبرو باشد.³

نظم در اوقات عبادت

در برنامه منظم عبادتهای اسلامی دقت کنید، اوقات دقیق و منظم نمازها در شبانه روز، وقت روزه در ماه به خصوص که اگر دقیقه یی زودتر افطار شود روزه باطل است، وقت ویژه ی حج در اوقات مخصوص به آن، در ماه ذیحجه و... را در نظر آورید.

آیا این نظم و دقت ها، هشدار نیست به مسلمانان که آنان نیز زندگی خود را بر همین روش تنظیم کنند؟

بسیاری از طبقات مختلف مردم، می گویند: چه کنیم تا تحصیل، تدریس، شغل اداری، گرفتاری کسب و پیشه و مشکلات زندگی به ما اجازه دهد به عبادت و مجالس سازنده ی مذهبی و تربیتی برسیم؛ می گویند مافروست کافی حتی برای استراحت، غذا، خواب و رسیدگی به کارهای خانه، زن و بچه، نداریم تا چه رسد به مسائل دیگر، چون صله ی رحم (رسیدگی به خویشان و دیدارشان)، وفای به عهد و احوالپرسی از بیماران و مستمندان و...
اینها اگر اوقات خویش را خوب تنظیم کنند، در هر شرایط و با هر نوع کاری، می توانند ساعتهای فراغتی داشته باشند که به خیلی از کارها، به ویژه مطالعه ی کتب سودمندی چون قرآن و نهج البلاغه (بانگرتشی عمیق و سازنده) اختصاص دهند.

در طبقات مختلف مردم، نمونه های زیادی یافت می شوند که واقعاً در زندگی موفقند هم بانظم ویژه ای به زندگی و همه ی کارهای خویش می رسند، و هم در محافلی سازنده و دینی شرکت می کنند و نیز به مطالعه ی کتابهای سودمند می پردازند. دانش آموز منظم می تواند در ساعتهای معین درسش را بخواند و تکلیفش را انجام دهد، وحتی بازی و تفریح هم داشته باشد و در عین حال در وقت خود صرفه جوئی کند و به مطالعات مفید دیگری بپردازد، به ویژه اگر سحرخیز باشد، و چنین کسی در

وقت حساس امتحانات دچار هیجان و اضطراب نمی شود و به خوبی از عهده ی امتحان برمی آید و نیز در مسائل اسلامی و علمی بی اطلاع و بی مایه نمی باشد.

راستی که زندگی پر از شگفتی پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله)، برای ما درس بزرگی است؛ آن حضرت با همه ی رنجها و گرفتاریها، به تنهایی بار دهها مسئولیت را بردوش داشت: هم پیام آور خدا بود و هم پیشوا و رهبر خلق، و در عین حال فرمانده ی جنگ و سرباز مدافع و پاسخگوی درخواستها و نیازمندیهای مردم، او به امور داخلی و خارجی مسلمانان و امور شخصی و خانوادگی خود نیز رسیدگی می کرد، و به بندگی خدا و عبادت‌های سنگین نیز می پرداخت. آیا این ها همه، جز با برنامه ی صحیح و منظم، امکان پذیر بوده است؟

حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نیز شبانه روز را به ساعت‌های معین تقسیم می کرد، و بطور منظم به عبادت و بندگی خدا، رسیدگی به امور مسلمین، دستگیری از مستمندان، کار و فعالیت (کشاورزی در بوستان و نخلستان)، و رسیدگی به امور خانه و تربیت فرزندان و... می پرداخت و همه را به خوبی انجام می داد. شایسته است ما نیز از آن حضرت سرمشق بگیریم و پیروی کنیم.

شبانه روزمان را چگونه تنظیم کنیم؟
هفتمین پیشوای راستین ما (امام موسی کاظم (علیه السلام)) می فرمود: "اوقات خود را به چهار قسمت تقسیم کنید.

1 - برای عبادت و پرستش خدا.
2 - برای امور زندگی (کار و فعالیت).
3 - برای معاشرت با برادران و دوستان مورد اعتماد که عیب‌پایان را یادآور شوند (دوستانه به شما گوشزد می کنند) و باطناً در دوستی خالصند (بی نظرند و بدخواه نیستند).

4 - برای تفریح و لذت جویی های حلال (نه عیاشی های نامشروع و گناه و سرگرمی های ناسالم) این قسمت نیرو بخش و کمک قسمتهای سه گانه ی دیگرست".

اگر بتوانیم اوقات خویش را این چنین تنظیم کنیم به همه ی کارهای خود می رسیم، زیرا با نظم و برنامه کار کردن جلوی تضییع و تلف شدن وقت را می گیرد و مانع از دست رفتن فرصتها می گردد.

یکی از مراجع بزرگ شیعه مرحوم سید محمد کاظم یزدی می نویسد: "تَوْزِيعُ الْوَقْتِ تَوْسِيعُهُ وَ تَشْتِيتُ الْوَقْتِ تَقْوِیْتُهُ"; تقسیم اوقات به نسبت کارها موجب وسعت وقت و پراکندگی وقت موجب از دست دادن آن است.

نظم فکری

این نکته روشن است که تنظیم کارها از نظم فکری آغاز می شود؛ نخست باید درست اندیشید و اندیشیدها را منظم کرد و آنگاه آنها را با ترتیب و نظم خاص پیاده نمود. کسی که افکارش منظم نباشد در زندگی و سایر امور شخصی و اجتماعی نیز منظم نخواهد بود و بی گمان در کارها دچار پریشانی و از هم گسیختگی می شود. بی نظمی در گفتار یا نوشتار نیز معلول بی نظمی در اندیشه و فکر است.

بنابراین، ما برای منظم شدن در امور فردی و اجتماعی زندگی خویش، و برای سامان دادن به وضع نابسامان خود، نیازمند نظم فکری و نظم عملی صحیح می باشیم.

بی نظمی در دخل و خرج

پیشینیان گفته اند:

بر احوال آن کس، باید گریست *** که دخلش بود نوزده، خرج بیست.

بی نظمی در خرج ها، خوره و موربانه ی درآمدهاست که شیرازه ی زندگی را از هم می گسلد و بنای رفیع اقتصاد فرد و اجتماع را به خرابه ی فقر و نابسامانی مبدل می سازد. بیشتر مردم نمی دانند چگونه درآمد خود را با مصرف و زندگی هماهنگ سازند؟ بارها دیده شده که افرادی با داشتن درآمد کلان، در اثر هوس بازی و چشم و هم چشمی های بی جا و خرج های غیرضروری، وامانده اند و زندگیشان متلاشی شده است. تا آنجا که از داشتن ضروری ترین وسائل زندگی محروم اند.

برعکس، افرادی با داشتن حداقل درآمد و دستمزد زندگی آسوده و بانشاطی دارند و این جز با داشتن برنامه ی منظم و محاسبه ایکه از هزینه های اسراف آمیز و نابجا جلوگیری کند، امکان پذیر نیست.

حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: رها کردن و از دست دادن تقدیر معیشت (اندازه گیری در زندگی) فقر و بیچارگی می آورد.

امام باقر (علیه السلام) "تقدیر معیشت" را نشان کمال و رشد می داند که مراد از آن اندازه گیری دخل و خرج و با حساب زندگی کردن است.

و امام صادق (علیه السلام) در پایان حدیثی می فرماید تدبیر در امر معیشت، از دین است.

اشتباه نشود، نمی گوئیم مسلمان برای بهتر زیستن تلاش نکند و یا زندگی خود را توسعه ندهد، نمی گوئیم باید خسیس باشد و به زن و فرزند خویش سخت بگیرد، نه. بلکه می گوئیم با چشم و هم چشمی ها، با تشریفات سنگین و غلط که به دست غولهای اقتصاد و اربابان سرمایه داری ایجاد می گردد و جامعه را تا گردن در قرض (وربا) فرو می برد باید مبارزه کرد؛ با تشریفات سنگین که ملت ها و جامعه ها را برده ی اقتصادی و مصرف کننده ی چشم و گوش بسته سرمایه داران ساخته است.

چنانچه گذشت، حضرت امام موسی کاظم(علیه السلام) می فرماید با برآوردن خواسته های مشروع و حلال که با مروت و مردانگی انسان منافاتی ندارد و اسراف هم نیست نفس خویش را بهره مندساز، و بدین کار بر امور دینی و خدمت های مذهبی کمک بگیر.

حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: برای مسرف سه نشانه است. در خوراک، خرید (لوازم زندگی) و لباس، زیاده روی و برخلاف آنچه شایسته ی اوست عمل می کند.⁹ جلوگیری از اسراف در خوراک، لوازم زندگی و لباس می تواند کشور و ملتی را از نو بسازد و دست بیگانه واستعمار را (از سیاست و اقتصاد) آنها کوتاه کند، تا به خود و ثروت خود متکی باشند و از دیگران بی نیاز. نظم برای چه؟

اشتباه نشود، ما نه تنها از نظم خشک و بیجا و کاغذبازی اداری که وقت ها و بودجه ها را تلف می کند، طرفداری نمی کنیم بلکه با آن مخالفیم و نظم صحیح نیز آن را نفی می کند و بسیاری از این گونه تشریفات غلط و نظم های خشک که باعث تراکم کارها و مانع پیشرفت کارهای شخصی و اداری است، در جوامع انقلابی و مترقی ملی، جای خود را به نظم صحیح و بی آلابش داده است.

بلکه نظم صحیح و بی آلابش ایجاب می کند، که گاهی راحتی و استراحت و حتی جان خود را فدای انسانهای دیگر کنیم؛ مثلا پزشکی که ساعت های معینی را در مطب یا بیمارستان، کار می کند اگر در پایان وقت یا خارج از آن با بیمار مشرف به مرگی روبرو شود و به عذر این که وقت تمام شده و مطب، اداره و یا بیمارستان تعطیل است از معالجه ی او سرباز زند چنین نظامی نه تنها نظم نیست، بلکه خیانت است.

متأسفانه بسیار اتفاق می افتد که دکترهای معالج به اندک بهانه ای پست کار خود را (حتی در ساعت های اداری) خالی می گذارند و بیماران، پشت در بیمارستانها و... ساعتها بلکه روزها سرگردان می مانند و ای بسا جان خویش را از دست می دهند.

نظم نباید تنها برای جلب درآمد بیشتر و تأمین مادیات باشد بلکه در تأمین معنویت و مسائل انسانی و اخلاقی به نظم و دقت بیشتری نیازمند هستیم.

انسان تنها یک ماشین نیست که فقط کار کند، غذا بخورد و ساعتی برای تجدید نیرو به استراحت بپردازد. نه . بلکه او بیش از همه یک "انسان" است با دریائی از عواطف، احساسات، علاقه ها، نیازهای روحی و معنوی و با این اضافه که انسان برای این جهان آفریده نشده و به سوی جهانی وسیع و بی انتها یعنی عالم آخرت رهسپار می گردد و برای همیشه در آن جهان می ماند و روش و عمل او در این جهان سازنده ی وضع و چگونگی او در عالم آخرت خواهد بود. بنابراین همانگونه که به نیازهای جسمی، پاسخ می گوید لازم است برای پاسخ به عواطف و خواسته های معنوی و انسانی خود نیز برنامه ای منظم داشته باشد.

هدف اسلام از نظم، آن گونه نظامی است که به کمک آن، مسلمان هم به زندگی دنیا و مادی خویش برسد و هم از زندگی انسانی و معنوی و اخروی خود باز نماند و هیچ یک را فدای دیگری نسازد.

امام ششم (علیه السلام) می فرماید: "از ما نیست کسی که دنیای خود را برای آخرت و آخرت خویش را برای دنیا ترک گوید".¹⁰

می دانیم که از دیدگاه اسلام، دنیا زودگذر و بی دوام است و مسلمان باید در این فرصت کوتاه (عمر) برای تأمین نیازهای مادی و بهبود زندگی این جهان خود و دیگران تلاش کند و در عین حال از جهان دیگر غافل نماند و برای زندگی جاودانه ی آخرت - که هدف اصلی است - حداکثر کوشش و بهره گیری را بکند. رسیدن به این دو هدف در این فرصت زودگذر برای مؤمن، جز با داشتن یک برنامه ی منظم، امکان پذیر نیست .

از این روست که روایات اسلامی مسلمانان را به کسب، تجارت، حرفه، کار و فعالیت تشویق و از زراندوزی و حرص در جمع آوری مال و ثروت باز می دارد و دستور می دهد که کسب روزی حلال و شایسته و نیک را، پیشه سازید و صبحگاهان برای طلب روزی حرکت کنید.¹¹

و نیز پیشوایان دین فرموده اند: بیش از کسی که به کسب و کار اهمیت نمی دهد و کمتر از کسی که حرص میورزد به دنبال روزی باش.¹² یعنی میانه روی را فراموش نکن، تا نه به افراط دچار گردی و نه به سستی و تنبلی مبتلا شوی.

لازم است یادآور شویم: آنچه در بالا خواندیم، (آثار نظم و تدبیر در بهتر زیستن و خوشبختی)، با توکل منافاتی ندارد. زیرا مفهوم صحیح توکل آن است که یک مسلمان تا آنجا که قدرت دارد جزئیات کار را پیش بینی کند، مقدمات، علل و اسباب ظاهری را فراهم سازد. پی آمد و نتیجه اش را بررسی کند و سرانجام با اتکا به نیروی ایمان و به امید پشتیبانی خدا، دست به کار شود و برای جلوگیری از اضطراب، دودلی و نگرانی های وسوسه زا و یا حوادث احتمالی، به خدا توکل کند و به اصطلاح با توکل "زانوی اشتر" را ببندد که گفته اند:

در توکل از سبب غافل مشو.

آری وقتی همه پیش بینی های لازم را کرد و مقدمات و وسایل را فراهم کرد و تصمیم گرفت، آنگاه با توکل اقدام کند.

" فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ"¹³.

"پس آنگاه که تصمیم گرفتی، به خداتوکل کن که خدا توکل کنندگان را دوست می دارد".

پی نوشت

- 1- سوره ی الرحمن، آیه ی 5 .
- 2- نامه ی 47، نهج البلاغه ی چاپ دکتر صبحی صالح، ص 421 .
- 3- آرایش جنگی پیامبر(صلی الله علیه وآله) (در بدر و أحد) به صورت "فالانژ" مثلثوار بود، این گونه آرایش جنگی با چنین صف بندی منظم در قبایل عرب سابقه نداشت .
- 4- تحف العقول، چاپ بیروت، ص 302 .
- 5- الکلمة الجامعة و الحكم النافعة، آخر عروة الوثقی، چاپ اول، کلمه ی 14 و 15 .
- 6- بحار، ج 71، ص 347 .
- 7- وسائل، ج 12، ص 42 .
- 8- بحار، ج 71، ص 349 .
- 9- بحار، ج 75، ص 304 و وسایل، ج 12، ص 41 .
- 10- لیس مینا من ترک دنیاہ لآخرتہ ولاخرتہ لدنیاہ. من لایحضرہ الفقیہ، ج 2، چاپ نجف، 1290 "ه ق"، ص 94 .
- 11- وسائل، ج 12، ص 3 و 4، و ص 27 .
- 12- وسائل، ج 12، ص 30 .
- 13- سوره ی آل عمران، آیه 159 .